سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. عظمت قرآن – این کتاب سترگ الهی – از نخستین روزهای نزول چنان دیده‌ها و خردها را خیره کرده که با وجود تحدّی آن از همان زمان تا کنون، هنوز در خلال قرون، آوردن مانندش را نتوانسته‌اند، گرچه مخالفان این کار را دوست می‌داشتند.

این واقعیت سبب شد در باب این کتاب مقدس آسمانی تفریطی پیش آید و افراطی.

تفریط این بود که دست و پاهای عاجزانه زدند تا به نوعی در تضعیف کتاب بکوشند. و هرچه بیشتر کوشیدند، کمتر نتیجه گرفتند. البته در دهه‌های اخیر، از انکار به تأویل روی آوردند و مباحثی زمینی همچون هرمنوتیک را به عرصهٔ آسمانی قرآن کشاندند که اکنون مورد بحث نیست.

۲. اما افراط این بود که به بهانهٔ عظمت قرآن، گروهی اندک شمار، از همان روزهای صدر اسلام، زمزمهٔ «حسبنا کتاب الله» بر زبان آوردند و خود را از تبیین پیامبر بی‌نیاز دانستند. آیا خودشان به این شعار عقیده داشتند یا نه؟ بحث دیگری است که تاریخ خلاف آن را به ما نشان می‌دهد. مثلاً در تاریخ می‌بینیم که مدعیان همان سخن، وقتی در سقیفه نشستند، به حدیث نبوی استناد کردند تا بهره‌ای مادی از تحفهٔ معنوی پیامبر را برای خود برگیرند. این سخن بگذار تا وقت دگر.

۳. زمزمهٔ «حسبنا کتاب الله» را در زمان صدور، هیچ کس جدّی نگرفت، مگر اندک شماری همچون خوارج که آنها هم به عنوان جمعیتی افراطی دیری نپاییدند و رفتند. ولی این اندیشه همچون آتشی زیر خاکستر در تاریخ ماند، تا حدود دوازده قرن بعد، که از مناطقی مانند مصر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.9.5]

و هند، بار دیگر افرادی آمدند و آن قصّهٔ کهن را تجدید کردند. البته این بار با چاشنی جدید نقد (و گاهی اوقات، ردّ سنّت) که به بهانهٔ وجود مطالب سست و ضدّ عقل و ضدّ قرآن و ضدّ اخلاق که در مهمترین متون حدیثی سنّی جای گرفته بود، آمیخته با تقدیسی که مانع از دستیابی نقد و بررسی به حریم آنها می‌شد.

٤. پیروان دیدگاه قرآن‌بسندگی تا آنجا که مهمترین متون حدیثی مورد توجّه عموم مردم خود (و حتی خواصّ جامعه شان) را نقد می‌کردند، راهی علمی را می‌پیمودند. زیرا هالهٔ تقدیسی که دور کتابهای یادشده را گرفته بود و تا امروز بر گرد آنها هست، هیچ توجیه عقلی یا دینی یا علمی ندارد. نقدهایی که بی‌توجّه به آن هالهٔ تقدیس نسبت به آن گروه از متون مخصوصاً صحیحین سامان یافته، علم درایة الحدیث را چند گام به پیش برده و همین برای صحت این راه کافی است. خوشبختانه بیشتر این نقدها – اگر نتوانیم ادعا کنیم که تمام آنها – به شیوهٔ علمی بوده و غبار تعصب گروهی و فرقه‌ای بر آنها ننشسته است. بدین روی، ضرورت تداوم منش علمی آن است که این راه تداوم یابد.

٥. اما پیروان قرآن‌بسندگی – یا چنانکه خود را نام نهاده بودند: اهل القرآن یا قرآنیّون – از این مقدمهٔ صحیح به نتیجه‌ای غلط رسیدند. نتیجهٔ بیشتر آنها نفی کامل حجیت حدیث بود با این ادعا که قرآن ما را بس است و نیازی به منبعی جز آن نداریم. طرفه اینکه برای اثبات این مدّعا بسی کتابها نوشتند و سخنها راندند و کسی نپرسید که اگر نیازی به منبعی غیر قرآن نیست، این همه گفت و شنود برای چیست؟

مهمتر اینکه اینان منابع غنیّ حدیث شیعی را نادیده انگاشتند و شتاب زده حکم کلّی در بارهٔ سنّت صادر کردند، با اینکه راه ارزیابی و اعتبارسنجی این منابع، از روز اول بر روی همهٔ افراد واجد صلاحیّت علمی و تقوایی گشوده بوده و هست.

٦. برخورد خشن و تند مراکز رسمی دینی با قرآنیّون، سبب شد تا این مدّعا به پشتوانهٔ مظلومیت نیز دست یابد. این ابزار مغالطه هر جا گام به میدان نهاده، مسیر صحیح استدلال را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.9.5]

تغییر داده و راهی دیگر پیش پای موافقان و مخالفان قرآن‌بسندگی گشوده است. متولّیان آن مراکز این آموزهٔ قرآنی را ندانسته‌اند یا ندانسته انگاشته‌اند که کتابی الهی که می‌فرماید: «ادع إلی سبیل ربّک بالحکمة و الموعظة الحسنة ...» چگونه اجازه دهد که یک نقد درون دینی را با برچسب ارتداد پاسخ دهند و از میدان به در کنند؟ بگذریم که آیا آن متولّیان به راستی دعوت به حکمت می‌کردند یا تقدیس بی‌وجه؟

۷. به هر حال، این قصه ادامه یافت. گسترش فضای ارتباطات و ابزارهای ارتباطی دامنهٔ این رویکرد را به جاهای دیگر کشانید و چالشها را بیشتر کرد. طبعاً دیار ما – ایران – نیز از این موج دور نماند و آثاری در این وادی پدید آمد. تفاوت اساسی موج ایرانی با امواج مصری و هندی این بود که از ایرانیها انتظار بیشتری می‌رفت که محسّنات گنجینهٔ حدیثی گرانبار شیعی را بیشتر ببینند و «اخبارگرایی» را «اخباری‌گری» وانمود نکنند و تنها به مباحثی همچون علل الحدیث – یعنی عواملی که به زعم آنها یا حتی به نظر دیگران نیز – سبب تضعیف حدیث می شود – بسنده نکنند.

۸. ولی در اینجا قصه‌ای تکرار شد که پیش از آن در دین گریزی دهه‌های پیش شاهد بودیم، مانند نزاع دین و عقل، که در مسیحیت تحریف شده مطرح بود نه در فرهنگ شیعی که این دو را دو روی یک سکّه می‌بیند و هر دو را حجت خدا می‌داند، یکی حجت ظاهره و دیگری حجت باطنه. در آن نزاع پیشین، اندیشمندان ایرانی صورت مسئلهٔ اندیشمندان فرنگی و مارکسیست و مانند آنها را عیناً به فضای ایران کشاندند، در حالی که: «آب در کوزه بود و اینان اظهار تشنگی می‌کردند».

در قضیهٔ قرآن‌بسندگی نیز، همان مدّعاهای مصری و هندی با تغییرات ویژهٔ خودش تکرار شد و این ذخیرهٔ علمی و معنوی را نادیده گرفتند.

۹. این فرآیند و علل و عوامل پیدایش و گسترش آن، زمینهٔ کاری علمی و گسترده بر اساس نقد و بررسی منصفانه است که خوشبختانه در چندین رسالهٔ دانشگاهی و مقالهٔ علمی انجام شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.9.5]

است، گرچه مانند دیگر مسائل ما، نه تنها آینده‌نگرانه با آن مواجه نشدیم، بلکه خیلی دیر به آن پرداختیم. اما تا کنون یک شمارهٔ ویژهٔ این موضوع در مجلات علمی مطرح نشده بود.

سفینه آغاز پانزدهمین دورهٔ انتشار خود را فرصتی مناسب یافت تا به این مهم توجه کند و یک سلسله گفتارها را در این زمینه عرضه کند. با این آگاهی که شاید یک شماره مجله برای دستیابی به هدف کفایت نکند و بحث در دو سه شماره پیگیری شود. ناگفته پیداست که مجال سخن در یک فصلنامه کوتاه است و گفتنی‌ها فراوان. پس باید بِه‌گزینی مطالب را مدّ نظر گیرد.

آیا این هدف در مقالات این شماره تأمین شده یا نه؟ این پرسش را باید اهل نظر و پژوهشیان پاسخ دهند و مسیر پیش روی ما را بهتر ترسیم کنند، ولی مسلّم این است که هدف، عمل به همان آیهٔ شریفه بوده که بدان اشاره شد. یعنی اینکه نیّت‌خوانی و ذهن‌خوانی نکنیم، بلکه سخن را ببینیم و «ما قال» را تحت الشعاع «من قال» نگردانیم.

۱۰. سفینه چهارده سال پر فراز و نشیب را پشت سر نهاده و اکنون به پانزدهمین سال حیات خود وارد می‌شود. اکنون این نوجوان بیش از گذشته به کمک اساتید و محققان نیاز دارد، تا راهنمایی‌های خود را از آن دریغ نکنند و آن را همچون گذشته به دست عنایت بنوازند.

باور ما این است که حرکتی که مخلصانه آغاز می‌شود، لطف و عنایت الهی را از آغاز تا انجام همراه دارد. ولی دشواریهایی در مسیر وجود دارد که جز با کمک دوستان همدل حل نمی‌شود.

مانند همیشه دیدهٔ امید به دعای خیر «تالی و ترجمان قرآن» یعنی امام مهدی عجل اللّه فرجه بسته‌ایم که در مسیر روشنگری نسبت به کتاب گرانسنگ الهی دست ما را بگیرد و از لغزشها و خطاها ما را در امان نگاه دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.56.9.5]